

● نقد و معرفی کتاب

ده فرمان جنبش صهیونیسم

انیس صایغ، ده فرمان جنبش صهیونیسم، ترجمه سعید طبیعت شناس، (تهران: انتشارات المعی، ۱۳۸۰)

بعد، ده فرمان متفاوت دیگر از طرف یک یهودی به نام نتودور هرتزل در قالب جنبش صهیونیسم تبیین شد که این بار نه تنها یهودیان علیه آن طغیان نکردند، بلکه به آن گردن نهادند و در نهایت نیز رژیم اسرائیل را باید سمیل وفاداری به این ده فرمان قلمداد کرد.

ده فصل کتاب در برگیرنده این ده فرمان است که مؤلف به نوعی آنها را اصول جنبش صهیونیسم دانسته است، هر چند به نظر می‌رسد این ده فرمان بیشتر بیان تاریخ شکل‌گیری و گسترش صهیونیسم است تا اصول صهیونیسم.

فرمان اول با عنوان "یهود تنها یک دین نیست بلکه یک جریان قوم‌گرایانه است" ضمن اشاره به تاریخچه شکل‌گیری جنبش صهیونیسم از درون اروپا، نشان می‌دهد که چگونه این جنبش بر مبنای تفکرات هرتزل دین یهود را به

قبل از این که به محتوای این کتاب پردازیم باید اشاره کرد که انتخاب عنوان "ده فرمان" از طرف مؤلف آن‌گونه که خود در مقدمه بیان داشته است یک اقدام نمادین به حساب می‌آید. ده فرمان اشاره به داستان جدایی حضرت موسی از پیروان خود در سفر از مصر به سمت فلسطین و مشرق رود اردن و حرکت و اقامت آن حضرت در کوه سینا به مدت چهل شبانه روز دارد که در بازگشت حضرت موسی با در دست داشتن ده فرمان از طرف خداوند نوشته شده بر دو لوح سنگی به میان پیروانش بازگشت، اما در این هنگام او متوجه شد که پیروانش گمراه شده‌اند و به گوساله پرستی روی آورده‌اند و به عبارت دیگر حاضر به پذیرش این ده فرمان نشدند که در نهایت با قهر حضرت موسی مواجه شدند. مؤلف با استمداد از این داستان تاریخی بیان می‌دارد که سی و پنج قرن

یک جریان نژادپرست تبدیل کرد.

براین اساس و براین مبنای اعتقادی که خداوند ملت یهود را برگزید تا نماینده او بر روی زمین باشند و این خدا فقط خدای یهود است نه پروردگار سایر ملل. هر تزل بیان داشت که ملت یهود تنها یک طایفه یا یک دین نیست بلکه یک جریان قوم‌گرایانه است و لذا همه آنها باید برای ایجاد ملتی واحد فعالیت کنند.

فرمان دوم تحت عنوان، مهاجرت یهودیان جهان به فلسطین، به چگونگی مهاجرت یهودیان و علل انتخاب فلسطین از طرف آنان می‌پردازد، که در این میان به جایگاه مذهبی فلسطین در تورات، پربرتک بودن این مکان، موقعیت استراتژیک آن، ضعف امپراتوری عثمانی، حمایت انگلستان و جای کافی برای یهودیان اشاره می‌شود. در این فصل به سیاست‌های فریبکارانه و افسراطی صهیونیست‌ها برای شکل‌گیری و گسترش این سیل مهاجرت نیز اشاره می‌شود.

فرمان سوم عبارت است از "ارتباط دائمی با ابرقدرت‌ها"، به این معنی که صهیونیست‌ها همیشه خود را به ابرقدرت زمان خود منکی ساخته‌اند. طوری که تا قبل از جنگ جهانی دوم با نفوذ از طرق مختلف در دولت انگلیس و پس از آن با ضعف انگلستان، با نفوذ گروه‌های صهیونیستی در دولت امریکا توانستند

با حمایت‌های گسترده مالی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی آنها به این بهانه که پایگاه آن ابرقدرت در منطقه خواهند بود، به بقای خود ادامه دهند. فرمان چهارم تحت عنوان "توسعه طلبی" بیان می‌دارد که رژیم اسرائیل دارای مرز ثابت نیست و آنها نه تنها شعار از نیل تا فرات را مطرح می‌کنند بلکه به آن هم قانع نبوده، دائم بر پی گسترش آن هستند. در این بین علاوه بر اقدامات توسعه طلبانه عملی آن‌ها از ۱۹۴۷ تاکنون، توجیهات گوناگون و صحبت از مرزهای متعدد همچون مرزهای سیاسی، مرزهای امنیتی، مرزهای توراتی و مرزهای بین‌المللی همه حاکی از این روحیه توسعه طلبی است.

در فرمان پنجم اشاره به "اخراج مردم فلسطین" می‌شود. به این ترتیب که صهیونیست‌ها از روش‌های گوناگون همچون خرید زمین، سیاست فراری دادن بومیان، ایجاد جو ترور، وحشت و ارعاب و از بین بردن آثار هویتی فلسطینی‌ها از مناطق اخراجی همچون تغییر نام‌ها، تلاش کرده‌اند که کشوری جدید ایجاد کنند که به لحاظ جمعیتی، مذهب، آداب و رسوم، سنن و زبان کاملاً به کشوری یهودی تبدیل شود.

فصل ششم کتاب به فرمان "نظامی‌گری" اختصاص یافته و مؤلف اشاره می‌کند که جنبش‌های صهیونیستی و شبه

یهودی اسرائیل معجونی است از سفاردی‌ها و اشکنازیها، یهودیان عرب و اروپایی، یهودیان شرق و غرب اروپا، یهودیان شمال آمریکا و خلاصه یهودیان سفید، سیاه، زرد و سرخ که هویت‌های متمایزی دارند. ضمن این که تمام این‌ها با مشکل فراگیری زبان عبری نیز مواجهند. در فصل نهم، با عنوان "اسرائیل دولتی برای یهودیان جهان" مؤلف ضمن اشاره به اعتقادات یهود در حفظ نژاد خالص بیان می‌دارد که رژیم اسرائیل خود را نماینده تمام یهودیان جهان دانسته و صهیونیست‌ها به این منظور راه مهاجرت تمام یهودیان را به فلسطین اشغالی بازگذاشته و به عبارت دیگر هر یهودی در جهان را یک اسرائیلی می‌دانند.

در فصل نهایی کتاب تحت عنوان "اهداف ثابت، ابزار متغیر" مؤلف اشاره دارد که صهیونیست‌ها هیچ وسیله‌ای را برای رسیدن به هدف خود غیر مشروع و غیراخلاقی نمی‌دانند و از شعارهای خیرخواهانه و انسان‌دوستانه تا دست یازیدن به ترور و تهاجم همه جانبه به فلسطینی‌ها و دیگر کشورها را برای حراست از موجودیت رژیم یهودی مشروع می‌دانند. مؤلف در پایان این تاکتیک برخی از اعراب را که برای کسب پیروزی نهایی باید از راه‌های فرعی که همان گرفتن بخشی از سرزمین فلسطین برای آزادی نهایی آن است، به شدت مورد انتقاد قرار

صهیونیستی در قرن ۱۹ همه به نوعی نظامی‌گری را به عنوان اصل یا حداقل یکی از راه‌کارهای بنیادین انتقال یهودیان به فلسطین برگزیدند و این مطلب را می‌توان کاملاً از طریق نگاه به چهره‌های سرشناس رژیم صهیونیستی که همه نظامی بوده‌اند درک کرد. مؤلف معتقد است که نام اسرائیل به مثابه ارتشی است که ملت، دولت و کل کشور را در برمی‌گیرد.

فرمان هفتم تحت عنوان "دولت ترور" به چگونگی شکل‌گیری و گسترش سازمان‌های تروریستی از جمله هاگانا می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این سازمان رسماً و با شمشیر قانون طرح نابودسازی و کشتار اعراب و حتی مقامات مستقر انگلیس در فلسطین را به مرحله اجرا درآورد و دیگر سازمان‌های غیررسمی نیز چون ایرگون و اشترون، آزادانه به قلع و قمع فلسطینی‌ها پرداختند و این که چگونه پس از تأسیس دولت صهیونیستی نیز این ترورها جنبه دولتی و جهت دار به خود گرفت.

فرمان ششم صهیونیسم عبارت بود از "ایجاد جامعه یهودی در فلسطین" که هر تزل آن را جدای از ایجاد دولت می‌دانست و مؤلف معتقد است این تنها فرمانی است که دولت صهیونیستی موفق به انجام و ایجاد آن شده است. چرا که تفاوت‌های فردی، عقیدتی و نژادی عمیقی میان یهودیان وجود دارد و جامعه

می‌دهد و با استناد به تاریخ یک صد ساله رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که آنها در این مدت حتی از یک وجب خاک فلسطین نیز عقب ننشسته‌اند و ایجاد تشکیلات خودگردان نیز از نظر صهیونیست‌ها ادامه دست‌آوردهای قبلی و زمینه‌سازی برای دست‌آوردهای بعدی است که با توجه به تحولات در فلسطین به نظر به واقعیت بسیار نزدیک می‌باشد.

در پایان لازم است به چند نکته درباره این کتاب اشاره کنیم. ابتدا این که به اطلاعات مربوط به نسخه اصلی کتاب همچون ناشر و محل نشر اشاره‌ای نشده است. دوم این که مؤلف اشاره کرده است که تمام مطالب خود را با استفاده از اسناد و پروتکل‌های حکمای صهیون تدوین کرده است اما در متن و انتهای کتاب

مآخذ را معرفی نکرده است. همچنین بخش‌هایی از مطالب مربوط به دو فصل "نظامی‌گری" و "دولت ترور" به جای یکدیگر آمده‌اند. یک بار دیگر نیز باید اشاره کرد که این کتاب بیش از آنچه به اصول صهیونیسم پرداخته باشد به مسیر تاریخی این جریان نژادپرست و تشکیل رژیم اسرائیل پرداخته است که در هر صورت ارائه تحلیلی آن در این کتاب می‌تواند برای علاقمندانی که با حساسیت مسائل مربوط به فلسطین را پی‌گیری می‌کنند بسیار مفید باشد.

محمدکاظم آسایش طلب طوسی
مرکز مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی